

از تهران تا پاریس و لندن حمایت از فلسطین به یک ادبیات و آیین مشترک تبدیل شده است

جنبش قدس



عکس: طاق نیکبختش افراس



صدای شکایت وزارت ارشاد هم از لغو غیرقانونی کنسرت‌ها در اصفهان بلند شد

استانداری اصفهان کاتولیک‌تر از ارشاد

۱۲

از نگاه پایگاه QS فقط دو دانشگاه ایرانی جزء ۱۰۰ دانشگاه برتر آسیا هستند

افت جایگاه ۱۰ دانشگاه در رده بندی آسیایی ۲۰۲۴

۵

رشیدی کوچی، نماینده مجلس در گفت‌وگوی تفصیلی با «فرهیختگان»:

برای ادامه فیلترینگ باید از مجلس مجوز بگیرند

۷،۲



صهیونیست‌ها با حمله به مدرسه الفاخوره وابسته به سازمان ملل ۲۰۰ پناهنده به این سازمان را به شهادت رساندند

تل آویو جان می‌خواهد نه زمین

در منطقه مانند قطر، ترکیه و مصر بازسازی شده و افراد گزینش شده‌ای که گرایشی به مقاومت ندارند، در سطحی بسیار کمتر از جمعیت پیشین، اجازه بازگشت به این منطقه را خواهند یافت. این منطقه با جمعیتی کمتر، پالایش شده و با زیرساخت‌های جدید، تحت حکومت تشکیلات خودگردان قرار خواهد گرفت. این طرح با توجه به واقعیت‌هایی مانند عدم امکان کوچاندن مردم غزه به صحرای سینا در مصر و همچنین گرایش بالای مردم این منطقه به حماس و گروه‌های مقاومتی، برنامه‌ریزی شده است. صهیونیست‌ها تلاش دارند با تداوم کشتارها، افراد و خانواده‌هایی که در خلال جنگ در مناطق مسکونی شمال باقی مانده‌اند را بالاخره وادار به کوچ کنند. همچنین امکان دارد تل آویو افراد باقی مانده را دارای روحیه مقاومتی بالاتر از دیگران تشخیص داده و این خود به یکی از عوامل تشدید جنایت‌ها علیه آنان تبدیل شده باشد.

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

یگان‌های نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در نیمه شمالی نوار غزه که نیمی از این منطقه به حساب می‌آید مستقر شده‌اند اما کشتار مردم از طریق بمباران هوایی در این منطقه همچنان ادامه دارد. به گزارش خبرنگار فلسطینی شهاب جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بعد از ظهر دیروز (شنبه) مدرسه «الفاخوره» در اردوگاه «جبالیا» را بمباران کردند. براساس اطلاعات اولیه، بیش از ۲۰۰ نفر در این حمله به شهادت رسیده‌اند. تل آویو پس از استقرار زمینی در شمال غزه باید بهانه کمتری برای بمباران سنگین مناطق مسکونی می‌داشت اما تداوم این اقدام نشان می‌دهد «توسعه جنایت» مستقل از دیگر موضوعات، یکی از اهداف اصلی صهیونیست‌ها در غزه است.

صهیونیست‌ها به دلایل زیادی از طرح برچیدن کامل غزه با کوچاندن کل یا بخشی از ساکنان به صحرای سینا دست کشیده‌اند. آنها از این رو که چاره‌ای جز حفظ این جمعیت ندارند، برنامه‌های آبی خود را براساس باقی ماندن ساکنان غزه در این منطقه چیده‌اند. به نظر می‌رسد تل آویو قصد دارد عرصه‌ای برای رویارویی فلسطینی‌ها در غزه ترتیب دهد تا در پیامد آن، کشتارهای شدید جنگ کنونی که ضربه‌ای سنگین به وجهه حیثیتی‌اش وارد آورده، کاهش یابد. اگر فلسطینی‌ها در دو صف شامل سازش‌کاران و طیف‌های وابسته در قالب تشکیلات خودگردان یا گروه «محمد دحلان» با صف دیگری شامل گروه‌های مقاومتی مانند حماس و جهاد اسلامی در غزه درگیر شوند، تل آویو می‌تواند این‌گونه تبلیغ کند که وقتی برخی از گروه‌های فلسطینی برای کنترل مقاومت دست به اسلحه می‌زنند، پس رژیم نیز چاره‌ای جز این اقدام نداشته و نباید مورد شماتت قرار گیرد. از سوی دیگر، تل آویو می‌داند احتمال دارد جنگ به شکل زد و خورد‌های گاه و بیگاه ادامه یافته و قابل پایان بخشیدن نباشد. به همین دلیل برای جلوگیری از تداومش، یک طرف فلسطینی باید به صحنه تریب شده و به نیابت از رژیم جنگ را ادامه دهد.

در خصوص توسعه شدید جنایت‌ها توسط رژیم صهیونیستی آن هم درحالی‌که تهاجم و اشغال زمین توسط ارتش رژیم صورت گرفته است، نکاتی وجود دارد.

یوآف گالات وزیر دفاع رژیم صهیونیستی ۹ روز قبل در واکنش به سخنان دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان، تهدید کرد «این امر ممکن است باعث شود ساکنان بیروت در نهایت در وضعیتی مشابه غزه قرار گیرند.» وزیر دفاع رژیم از وضعیت غزه به عنوان یک استدلال و عامل بازدارنده در برابر دیگران استفاده کرد. این مساله نشان می‌دهد توسعه سطح جنایت و تخریب‌ها یکی از اهداف صهیونیست‌ها و نه یکی از تبعات ناگزیر اقدام آنها در محیط‌های شهری است. صهیونیست‌ها در ظاهر این‌گونه استدلال می‌کنند که به دلیل پنهان شدن اعضا و تاسیسات حماس در میان مناطق مسکونی و محل تجمع مردم، هدفگیری‌شان باعث وارد آمدن صدمات جدی به دیگران و افزایش کشته‌ها می‌شود. آنها حماس را متهم می‌کنند که از مردم به عنوان سپر انسانی استفاده می‌کند. اظهارات و جهت‌گیری‌های رژیم اما نشان می‌دهد افزایش کشته‌ها و سطح تخریب‌ها، یک سیاست است. تل آویو قصد دارد با این اقدام برای خود بازدارندگی ایجاد کند تا دیگران با هراس نسبت به وقوع ویرانی و تلفات گسترده، از درگیری با رژیم دوری کنند.

دستگاه محاسباتی رژیم صهیونیستی همچنان همانند گذشته از موضع قدرت به تحولات نگاه می‌کند؛ از درجه یک قدرت هسته‌ای، دارای دستگاه‌های اطلاعاتی پیشرفته و دولتی نزدیک به دموکراسی‌های غرب. وضعیت اما امروز تغییر کرده است. نه برداشت دیگران نسبت به تل آویو همانند گذشته است و نه در داخل رژیم همگان با محاسبه شرایط همانند گذشته، موافقت.

تل آویو باید همزمان با تحولات داخل سرزمین‌های اشغالی، نگاهی نیز به اطراف داشته باشد. کشورهای زیادی در فلسطین اشغالی حمله کرده‌اند اما از آمریکا هیچ واکنشی ندیده‌اند. بالاتر از آن واشنگتن به حملات علیه پایگاه‌های خود نیز پاسخ موثری نداده است. تل آویو اگر جایگاه و زاویه دید خود را اصلاح نکند، به جنایت‌های بیشتری دست زده و همان‌گونه که امروز نیز به میزان زیادی در وقوع پیوسته است، خود را در درگیری‌های بزرگ‌تری خواهد دید. حرکت نیروهای مقاومت لبنان به سمت استفاده از تسلیحات سنگین علیه مواضع صهیونیست‌ها و تهدید یمن به غرق کردن کشتی‌های تجاری عازم سرزمین‌های اشغالی، نشانه‌هایی از مختصات درگیری آینده هستند.

به گفته منابع آگاه یکی از طرح‌های رژیم در غزه، ایجاد مناطق مسکونی با پالایش جمعیتی است. بر این مبنا صهیونیست‌ها قصد دارند با تخریب کامل شمال غزه و کوچاندن ساکنانش به مناطق جنوبی، شرایط را برای این اقدام فراهم آورند. پس از جنگ شمال غزه با همکاری متحدان آمریکا و رژیم

درهم تنیدگی جنگ غزه و بخش انرژی

از رئیس‌جمهور این کشور درخواست کرده‌اند تا صادرات نفت قزاقستان به این رژیم را به دلیل تشدید درگیری‌ها متوقف کنند. این درخواست که در قالب یک طومار اینترنتی بوده، بیش از ۲۵ هزار امضا دریافت کرده است. در این طومار تاکید شده که کشور ما همواره حامی صلح و ثبات در عرصه بین‌المللی است و صادرات نفت به مناطقی که درگیری‌ها ادامه دارد به عنوان حمایت از یکی از طرفین تلقی می‌شود. حدود ۱۰ درصد نفت خام قزاقستان از طریق خط لوله نفت باکو - جبهان به این رژیم صادر می‌شود. هرچند پیشنهاد توقف صادرات نفت به اسرائیل مطرح شده است اما هنوز توسط تولیدکنندگان نفت اعضای اوپک یا اوپک پلاس حمایت نشده است. هر زمان که تنش‌های سیاسی در خاورمیانه افزایش می‌یابد، بحث اغلب به تحریم نفتی اعراب در سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۴ منتهی می‌شود که قیمت نفت را چهاربرابر کرد و تاثیر عمده‌ای بر اقتصاد جهانی داشت اما پویایی در منطقه امروز به طور قابل توجهی متفاوت است. همچنین باید توجه داشت که ایالات متحده به عنوان شریک راهبردی تل آویو در سال ۱۹۷۳ واردکننده بزرگ‌تر نفت خام بود، درحالی‌که این کشور اکنون به یک صادرکننده نفت تبدیل شده که تاثیر هرگونه تحریم بالقوه را محدود می‌کند، حتی برخی کارشناسان تحریم نفتی اسرائیل را به نفع واشنگتن می‌دانند، زیرا می‌تواند این بازار هرچند کوچک را تصاحب کند.

توحید وروستان
دکترای اقتصاد انرژی

بدون تردید درگیری‌های نظامی در عصر کنونی مانند جنگ غزه، تاثیرات مستقیم و عمیقی بر اقتصاد و به ویژه بخش انرژی دارد. البته خود اقتصاد نیز تبدیل به سلاح نیرومندی شده که کشورها علیه یکدیگر استفاده می‌کنند. برای نمونه درگیری سال ۱۹۷۳ اعراب و رژیم صهیونیستی و به دنبال آن تحریم فروش نفت به حامیان این رژیم باعث افزایش شدید قیمت نفت از سه به ۱۲ دلار در هر بشکه شد که از آن به عنوان جهش اول نفت یاد می‌کنند یا تحریم‌های اخیر غرب علیه بخش انرژی ایران، روسیه و ونزوئلا نشان‌دهنده نقش و جایگاه اقتصاد در اهداف سیاسی است. در درگیری اخیر غزه مباحث مختلفی در بخش نفت و گاز مطرح شده که می‌تواند تاثیرات جهانی در پی داشته باشد و در ادامه به بخشی از این موارد اشاره می‌شود.

امنیت انرژی اروپا

پس از بحران اوکراین و اعمال تحریم علیه اقتصاد روسیه به ویژه بخش انرژی آن، امنیت انرژی اروپا بیش از گذشته به امنیت در خاورمیانه گره خورده است. از همین روی هرگونه گسترش جنگ در غزه را می‌توان به عنوان تهدید جدی برای امنیت انرژی اروپا قلمداد کرد. براساس گزارش وسایت کرید، درگیری در اوکراین منجر به افزایش ۲ درصدی مصرف نفت اروپا در مقایسه با دوره قبل از جنگ شده است. داده‌های واردات نفت اتحادیه اروپا در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۳ نشان داد که عربستان سعودی، لیبی، عراق و الجزایر کشورهای پیشروی صادرکننده نفت به اتحادیه اروپا بودند و مجموعاً بیش از یک چهارم نفت موردنیاز آن را تأمین کرده‌اند. در مقابل مصرف گاز اروپا در همین مدت ۱۵ درصد کاهش یافت. داده‌های واردات گاز اتحادیه اروپا در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که الجزایر، قطر، عمان، لیبی، ترکیه و مصر تأمین‌کنندگان اصلی گاز اتحادیه اروپا به صورت مایع یا خط لوله بوده‌اند. در مجموع این کشورها بیش از یک سوم نیاز گاز اتحادیه اروپا را تأمین می‌کردند. پس از آغاز حمله طرفان اقلی به اسرائیل در ۷ اکتبر، قیمت گاز طبیعی در اروپا ۳۵ درصد افزایش یافت. حالا اگر جنگ غزه در آینده گسترش یابد، می‌تواند تاثیر خود را بر عرضه به ویژه آبراه‌های مهم مانند هرمز و باب‌المندب بگذارد و امنیت اروپا را در آستانه زمستان تهدید کند.

جنگ و میدان گازی غزه

یکی از موارد مهم در جنگ غزه تاثیر آن بر آینده میدان گازی غزه است که کمتر در رسانه‌ها به آن اشاره می‌شود. میدان گازی غزه که یکی از منابع مهم مدیترانه شرقی بوده تقریباً ۲۰ سال پیش کشف شده و تاکنون به دلیل مشکلات سیاسی به مرحله تولید نرسیده است. براساس برآوردها این میدان تقریباً ۱.۱ تریلیون مترمکعب ذخایر دارد که فلسطینیان برخلاف رژیم صهیونیستی و مصر هنوز موفق به برداشت و استفاده از این ثروت خود نشده‌اند. میدان متعلق به فلسطین یکی از قدیمی‌ترین میدان‌های کشف شده در منطقه غنی از گاز مدیترانه و مهم‌ترین فرصت برای فلسطینی‌ها برای جبران کمبود منابع انرژی و بهبود درآمد اقتصادی است. در اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، ائتلاف شل و شرکت انگلیسی BG مقادیر زیادی گاز را در عمق ۶۰۰ متری زیرسطح دریا کشف کردند که در دو میدان توزیع شده و بزرگ‌ترین آنها میدان دریایی غزه است. یکی از شروط تل آویو برای برداشت از میدان، کنترل آن بر عرضه گاز در غزه بود که با مخالفت شرکت انگلیسی مواجه شد. درحال حاضر آینده توسعه این میدان به یکی از موضوعات مهم تبدیل شده و اکنون طبق توافقات بین مصر و فلسطین، شرکت مصری ۴۰ درصد از سهم تولید را دریافت خواهد کرد. علاوه بر این، استخراج گاز نیازمند مجموعه‌ای از خدمات لجستیکی گران قیمت و تکمیلی است که باید از شرکت‌های خارجی تأمین شود اما این احتمال وجود دارد که فلسطین یا شریک مصری آن نتوانند این خدمات ضروری را تضمین کنند، زیرا با توجه به حملات رژیم صهیونیستی به منطقه احتمالاً شرکت‌های خارجی به دلیل خطرات امنیتی بالای فعالیت در نوار غزه رغبتی به آن نداشته باشند، همچنین رژیم صهیونیستی پیش‌تر برداشت گاز را منوط به نظارت تشکیلات خودگردان کرده بود، درحالی‌که نوار غزه در کنترل حماس است. بنابراین این امر چالش مهمی ایجاد می‌کند و بهره‌مندی کامل از میدان گازی یا درآمد آن باز می‌دارد، به ویژه اگر دو طرف نتوانند در مورد این موضوعات به اجماع برسند. در مجموع با توجه به تحولات اخیر در غزه بعید به نظر می‌رسد که حداقل در کوتاه مدت میدان گازی غزه به مرحله تولید برسد.

نتیجه

هرچند سه مورد اخیر نشان‌دهنده تاثیر جنگ غزه بر بخش انرژی منطقه و جهان و درهم تنیدگی مسائل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک است، اما می‌تواند فراتر از آن نیز رفته و تولید میادین دیگر گاز منطقه مانند تامار اسرائیل نیز تحت تاثیر قرار دهد که خود این امر امنیت انرژی این رژیم و البته مصر به عنوان واردکننده گاز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین پویایی‌هایی منطقه و جهان باعث شده نوع تاثیرگذاری درگیری‌ها بر بازار انرژی مانند ۱۹۷۳ نباشد و بیشتر به سمت گاز سوق یافته است اما شباهتی که هنوز مانند ۱۹۷۳ مشاهده می‌شود، آسیب‌پذیری امنیت انرژی اروپا در مقابل ریسک‌ها سیاسی و ژئوپلیتیکی است.

تحریم نفت اسرائیل؟

براساس اعلام خبرنگاری بلومبرگ، اسرائیل روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت وارد می‌کند که بیش از ۶۰ درصد آن از دو کشور قزاقستان و آذربایجان و بقیه از اقلیم کردستان عراق، گابن و سایر کشورها تأمین می‌شود. از همین روی بحث تحریم فروش نفت کشورهای مسلمان به تل آویو مطرح شده است. به طوری‌که اخیراً قزاقستانی‌ها